



## به جای من فکر نکن

« احمد شریف‌پور »

آخر: اگر تمام این‌ها را رؤیای پردازی و بدبینی و... تصور می‌کنید، بد نیست که خیال‌پردازی‌مان را بسط دهیم. آیا هیچ‌گاه از فعالیت در شبکه‌های اجتماعی خسته شده‌اید؟ این همه لایک و توییت و پلاس‌وان و پست و... بخش زیادی از زمان شما را به خود اختصاص می‌دهند؟ آیا بهتر نیست که این کارهای ساده اما زمان‌بر را به کامپیوترها بسپاریم؟ مثلاً با شنیدن هشدار تلفن همراه‌تان آن را آنلاک کنید و ببینید که مثلاً گوگل براساس اطلاعات گسترده‌ای که از شما دارد و به یاری الگوریتم‌های یادگیری عمیق‌اش، توییتی را براساس تعاملات اخیر شما، براساس سلیقتان و درست با لحن نگارشی خودتان آماده کرده و برای ارسال آن تنها منتظر تأیید شما است؟ اگر هنوز هم در حال و هوای رؤیای پردازی هستید، بد نیست که بدانید به گزارش آرس‌تکنیکا این دقیقاً اختراعی است که گوگل به تازگی تلاش کرده است آن را به ثبت برساند. به این ترتیب، نه تنها این اطلاعات به گوگل امکان می‌دهد (فعالاً) درباره امور ساده‌ای نظیر توییت کردن یا لایک کردن به جای شما تصمیم بگیرد، بلکه بعدتر می‌تواند در تعاملات آنلاین که در آن‌ها به حضور فیزیکی نیازی نیست کاملاً جای شما را بگیرد. این موضوع گرچه ممکن است برای ستارگان هنری که به طور معمول، حساب‌های کاربری‌شان را خودشان مدیریت نمی‌کنند یا سازمان‌هایی که هویت انسانی ندارند جالب باشد، اما برای من به عنوان یک انسان بسیار ترسناک است. راستی اگر فرصت کار با Google Now نصیب‌تان شد حتماً از او بپرسید:

The answer to life, universe and everything  
شنیدن پاسخ از زبان Google Now بسیار جذاب‌تر از جست‌وجو و دیدن نتیجه آن روی صفحه مرورگر است و این دقیقاً دید یک کامپیوتر به هدف زندگی است.

نکند. درباره این قدرت کمی بعدتر دوباره صحبت خواهم کرد.

دوم: باز هم به احتمال زیاد شنیده‌اید که گوگل کاربرانش را تشویق می‌کند که سیستم پیام‌رسانی یا IM خود را با سرویس Hang Out این شرکت ادغام کنند. به ادعای (البته کاملاً درست) گوگل در چنین صورتی هزینه‌های ارتباطی کاهش یافته و کاربر اطلاعات چت‌ها و مسیج‌ها و تماس‌هایش با یک فرد خاص را نیز به صورت یکجا و در کنار هم در اختیار خواهد داشت. علاوه بر این‌ها، امکان مکالمه رایگان با Google Voice هم حداقل در آمریکا و کانادا برای همه کاربران فراهم است. چیزی که در این میان گوگل هیچ اشاره‌ای به آن نمی‌کند این است که تمام این‌ها علاوه بر منافعی که برای کاربر دارد، در واقع خوراک ماشین پول‌ساز گوگل یعنی تبلیغات را هم فراهم می‌کند. حتی اگر ایده تبلیغات هدفگیری شده و... را هم کنار بگذاریم، من که بعید می‌دانم گوگلی‌ها حداقل برای تفنن و آزمون هم که شده سیستم یادگیری عمیق‌شان را روی مکالمات صوتی Google Voice به کار نبرده باشند!

سوم: بیا بید خلاصه دو بند قبلی را کنار هم گذاشته و به هم ربط دهیم تا پازل‌مان تکمیل شود. گوگل الگوریتم یا روشی برای درک زبان طبیعی و البته «فهمیدن» آن دارد. گوگل داده‌های تماس‌ها، مسیج‌ها، قرارهای ملاقات، موضوعات مورد علاقه شما، محل‌هایی که می‌روید، بازی‌هایی که می‌کنید، اسامی دوستان‌تان، اسناد و مدارک کاری یا شخصی‌تان و خلاصه تقریباً هر آنچه را که در زندگی عادی و هویت آنلاین شما مهم است، در اختیار دارد. در این صورت، آیا ممکن نیست که بتواند افکار آینده شما را بخواند یا حتی (در آینده نزدیک شاید با اجازه شما) به جای شما فکر کند؟

نخست: اندرو ان‌جی و مفهوم یادگیری عمیق، به احتمال زیاد و به واسطه مقاله منتشر شده به نام (مردی در پشت پرده «مغز گوگل») در شماره ۱۴۶ ماهنامه) باید برای شما آشنا باشد. یادگیری عمیق یا Deep Learning تلاشی است برای شبیه‌سازی عملکرد مغز انسان در یادگیری موضوعات مختلف. البته، اگرچه گوگل اکنون با بهره بردن از دانش نوآوری چون کرتزوایل در این حوزه ادعای پیش‌گامی دارد، اما سابقه تلاش در این زمینه بسیار قدیمی‌تر از فعالیت‌های کنونی گوگل است. باز هم به احتمال زیاد می‌دانید که یکی از اصلی‌ترین کاربردهای کنونی این فناوری و جنبه‌ای که دقیقاً خود کرتزوایل روی آن متمرکز شده است، درک زبان طبیعی است.

در تعطیلات آخر هفته گذشته این فرصت را داشتم که با دو نمونه مشهور و البته بسیار پیشرفته درک زبان طبیعی یعنی Siri اپل و Google Now محصول غول جست‌وجوی اینترنتی سروکله بزنم. اگرچه حاضر جوابی Siri و شیوه پاسخ دادنش به پرسش‌های مختلف و متنوع بسیار جذاب بود، اما واقعیت این است که Siri در برابر Google Now و دقتی که این تازه وارد در تشخیص لهجه عجیب و غریب ما و همین‌طور گستره وسیع موضوعاتی که درباره آن‌ها قادر به تعامل است، بیش‌تر به بازیچه‌ای می‌مانست. این قدرت جادویی Google Now بیش از آن‌که مدیون الگوریتم‌های تازه یادگیری عمیق باشد، وام‌دار حجم عظیم داده‌هایی است که گوگل درباره ما در اختیار دارد و می‌تواند از آن‌ها برای آموزش دادن یا train کردن این سیستم یادگیری‌اش استفاده کند. این داده‌ها که همه از تعاملات معمول من و شمای نوعی استخراج شده‌اند، قدرتی باورنکردنی را به این شرکت اعطا می‌کند که تنها می‌توانیم امیدوار باشیم همان‌طور که قول داده است با آن شیطنت